

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۱۲

نقش واسطه ای خودتفسیری در رابطه بین عزت نفس و خلاقیت

سجاد الوندی فر^{۱*}

پروین کدیور^۲

مهدی عرب زاد^۳

چکیده

زمینه: پژوهشگران و محققان، مشتاق به یادگیری بیشتر در مورد ظرفیت مشخصه انسان برای تولید ایده‌های جدید، رویکردهای جدید و راه حل‌های جدید هستند اما برخی از افراد غیرمتخصص همچنان خلاقیت را صرفاً به عنوان یک محصول استعداد و ویژگی‌های فردی می‌بینند. هر چند گیلفورد در خطابه برجسته خود به انجمن روانشناسی آمریکا (گیلفورد، ۱۹۵۰) محققان را به طور جدی ترغیب کرد که به خلاقیت به عنوان یک فرآیند شناختی و اجتماعی و نیز یک ویژگی شخصیت بپردازند اما این زمینه برای سال‌های زیادی باقی نماند.

هدف: هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش واسطه‌ای خودتفسیری (مستقل / وابسته) در رابطه بین

عزت نفس و خلاقیت بود.

روش: پژوهش حاضر از نظر روش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان پسر سال سوم شهر کرج بود که در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ مشغول به تحصیل بودند که تعداد ۳۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی بر اساس روش نمونه برداری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه عزت نفس (روزنبرگ، ۱۹۶۵) مقیاس تجدید نظر شده خودتفسیری (سینگلیس، ۱۹۹۴) و پرسشنامه سنجش خلاقیت (تورنس، ۱۹۶۵) را تکمیل کردند.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی تهران. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی تربیتی، تهران، ایران (نوسنده مسئول)

std_alvandi@khu.ac.ir

۲. استاد دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی تربیتی، تهران، ایران kadivar220@yahoo.com

۳. استادیار دانشگاه خوارزمی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، گروه روانشناسی تربیتی، تهران، ایران

mehdi_arabzadeh@hotmail.com

یافته‌ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان دادند که: الف) عزت‌نفس پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار خلاقیت بود، ب) خودتفسیری مستقل/وابسته پیش‌بینی‌کننده مثبت معنادار خلاقیت بود و پ) خودتفسیری (مستقل / وابسته) در رابطه بین عزت‌نفس و خلاقیت نقش واسطه‌ای مهمی ایفا می‌کند. نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که خلاقیت بیشتر از اینکه تحت تأثیر ویژگی‌های فردی باشد تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی و ویژگی‌های فرهنگی خواهد بود. همچنین تربیت افرادی که خودپندیری بالا و نگرانی کمتری برای نظرات دیگران دارند باید در اولویت کار خانواده‌ها و دستگاه آموزش و پرورش قرار گیرد؛ زیرا پرورش این ویژگی‌ها، زمینه را برای شکل‌گیری عزت‌نفس بالا و بروز تفکر واگرا فراهم می‌کند که تضمین‌کننده رفتارهای خلاق است.

واژه‌های کلیدی: خلاقیت، عزت‌نفس، خودتفسیری مستقل، خودتفسیری وابسته.

پیشگفتار

مطالعه روانشناختی خلاقیت^۱ در پیشرفت بشر ضروری است. اگر بخواهیم گام‌های بلندی در علوم و علوم انسانی و هنر برداریم ما باید درک بسیار دقیق‌تری از فرآیند خلاقیت، مقدمات و مهارکننده‌های آن پیدا کنیم (هنسی و آمابیل^۲، ۲۰۱۰). در جهان امروز بالاترین و بهترین تولید برای کشورهایی که بخواهند حرف اول را در دنیا داشته باشند تولید فکر نو و ایده جدید است. در قرن حاضر خلاقیت، ارزشی روبه‌فزونی است. هدف امروزه بسیاری از جوامع بالا بردن خلاقیت و نوآوری افرادی است که تحقق بخش نیازهای قرن ۲۱ باشد (توگرول، به نقل از نیک فرد، ۱۳۹۳). امروزه در مدارس و همه مراکز آموزش عالی، توجه به خلاقیت، نوآوری و تربیت افراد خلاق در سرلوحه برنامه‌های آموزشی و درسی

1 . creativity

2 . Hennessey, B. A., & Amabile, T. M

قرار گرفته است. همچنین در دنیای کنونی، پیشرفت و توسعه هر جامعه را، بیش از هر چیز در گرو تربیت نیروهای انسانی کارآمدی می‌دانند که بتوانند با اندیشه پویا و خلاق خود، امکانات بالقوه موجود در آن جامعه را به امکانات بالفعل تبدیل نمایند (غفوری؛ میرهاشمی و گنجی، ۱۳۹۵). کارل راجرز در این زمینه می‌نویسد: روشن است که خلاقیت و نوآوری را نمی‌توان با فشار ایجاد کرد بلکه باید به آن اجازه داد تا ظهور کند. همان گونه که زارع نمی‌تواند جوانه را از دانه بیرون بیاورد اما می‌تواند شرایط مناسبی برای رشد دانه فراهم آورد. در مورد خلاقیت و نوآوری هم همین شرایط صادق است. باید زمینه ای مساعد برای رشد و توسعه خلاقیت و نوآوری در فرزندان و دانش‌آموزان فراهم آورد. از جمله تجربیات من در روانشناسی این است که می‌توان با فراهم کردن امنیت روانی، احتمال ظهور خلاقیت و نوآوری سازنده را افزایش داد (هورنبروک، ۲۰۱۱ به نقل از اسکندری، ۱۳۹۱).

خلاقیت به عنوان توانایی تولید ایده‌هایی که هم بکر (جدید، غیر معمولی، تازه و غیر منتظره) و هم مؤثر (با ارزش، مفید، قابل، سازگار و درخور) باشد تعریف شده است (رانکو و یاگر^۱، ۲۰۱۲). افرادی که خلاقیت بالایی دارند ویژگی‌های شخصیتی مشترکی بایکدیگر دارند. برای مثال؛ آنها خودپذیری بالایی دارند و کمتر نگران نظر دیگران هستند (شیائو، وانگ، چن، ژانگ و چن^۲، ۲۰۱۵). در رابطه با خلاقیت، روان‌شناسان اجتماعی به نقش ساختارهای اجتماعی در پرورش افراد خلاق تأکید دارند. در این گروه پژوهش‌ها، خلاقیت به صورت سیستمی متشکل از عناصر متعدد شناختی در بافت اجتماعی تعریف می‌شود و این افراد بر این باورند که خانواده، مدرسه و به طور کلی محیط اجتماعی به عنوان عناصر تشکیل دهنده موقعیت خلاق مطرح هستند (جفری و کرافت^۳، ۲۰۰۱). با وجود این در تبیین خلاقیت نظریه‌های مختلفی وجود دارد که در جای خود توضیحی روشن‌گرانه برای عوامل مؤثر بر خلاقیت ارائه کرده‌اند. هنسی و آمایل (۲۰۱۰) معتقد است که خلاقیت پدیده‌ای اجتماعی

1. Rancho, M. A., & Jaeger, G. J.
2. Xiao, Wang, Chen, Zheng & Chen
3. Jeffrey, B. & Craft, A.

است و از نیازها، مقتضیات جامعه و شرایط خانوادگی برمی‌خیزد. عده ای دیگر نیز نظیر تورنس^۱ (۱۹۷۹) معتقدند که خلاقیت یک اثر شخصی است؛ یعنی به عواملی نظیر انگیزش، هیجان، عواطف، احساسات، تجربه ها و یادگیری‌های شخصی وابسته است. گروهی هم مانند استرنبرگ (۲۰۱۶) و میهالی^۲ (۲۰۰۷) معتقدند که خلاقیت پدیده‌ای چند متغیری است؛ یعنی عواملی نظیر جامعه، خانواده، شخصیت و توانایی‌های شناختی همزمان بر آن تأثیر می‌گذارند. بنابراین نتایج این تحقیقات نشان می‌دهد که خلاقیت تنها به توانایی‌های هوشی مربوط نیست بلکه تحت تأثیر متغیرهای بسیار زیادی از جمله فرهنگ و ویژگی‌های شخصیتی مثل عزت‌نفس^۳ قرار می‌گیرد. محققان زیادی در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیدند که بین عزت‌نفس و خلاقیت دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (زینلی (۱۳۸۹)؛ بیات و یعقوبی (۱۳۹۳)؛ برزگر بفرویی، صالح پور و امام جمعه (۱۳۹۳)؛ حسن زاده و ایمانی‌فر (۱۳۸۹)؛ وانگ و وانگ (۲۰۱۶)؛ کانترو، بنلیور و ملودرو^۴ (۲۰۱۶)؛ دنگ و ژانگ^۵ (۲۰۱۱)؛ مک دونالد و بیگلاو^۶ (۲۰۱۰)؛ لوفتیک^۷ (۲۰۰۰).

عزت‌نفس در چارچوب زندگی اجتماعی، مانند خانواده، مدرسه و کار، ظهور و توسعه می‌یابد. تأثیر زندگی خانوادگی بر رشد و توسعه کودک‌ان و ایجاد اعتماد به نفس آنها بسیار مهم است. ثبات و سطح بالایی از عزت‌نفس می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای برای خلاقیت باشد (فورستر و همکاران^۸، ۲۰۱۷؛ ژیاپویو، ژو، فان، یو و پنگ^۹، ۲۰۱۶). عزت‌نفس به احساس کلی شخص در مورد ارزش، اعتبار و شایستگی خویش مربوط می‌شود؛ به عبارت دیگر به ادراکی اطلاق می‌شود که فرد نسبت به ارزشمند بودن خود دارد. این ادراک از تجاری

1. Torrance, E.P.
2. sternberg & Mihali
3. Self-esteem
4. Cantero. M, Benlliure. V & Melero. R.
5. Deng, X. P., & Zhang, X. K.
6. Mac Donald, N. M. & Bigelow, S.
7. Lofting, R. L.
8. Forrester, R. L., Slater, H., Jomar, K., Mitzman, S., and Taylor, P. J.
9. Yu, X., Zhou, Z., Fan, G & Yangyang Yu & Jiayi Peng

ناشی می‌شود که شخص در طی دوران زندگی خود کسب کرده است که هم می‌تواند به عنوان یک صفت پایدار و هم به عنوان یک متغیر حالتی در نظر گرفته شود (انجایان، زلیگر-هیل، وُنک^۱، ۲۰۱۷). در پژوهش حاضر عزت نفس به عنوان یک متغیر صفتی در نظر گرفته شده است. عزت نفس یک سازه روانشناختی مهم و تعیین کننده با جلوه‌ها و معانی ضمنی متعددی است که از خشونت و تعارض گرفته تا شادکامی و سلامت روان را شامل می‌شود؛ به عبارت دیگر عزت نفس، بعد ارزیابانه خود است که در آن فرد به صورت پدیدارشناسانه، توانایی‌ها، صفات و قابلیت‌های خود را ارزیابی می‌کند و نگرشی مبنی بر تأیید یا عدم تأیید خویش شکل می‌دهد (مارتینز^۲ و همکاران، ۲۰۱۰). نتایج تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که برای پرورش خلاقیت، ابتدا باید عزت نفس افراد را افزایش داد (کالیشاک و سورپ^۳، ۲۰۰۲). در این راستا پژوهش لاسونن^۴ (۱۹۹۸) که به منظور نشان دادن چگونگی ارتباط عزت نفس با محیط اجتماعی و شکل‌گیری تفکر واگرا در دانش‌آموزان ۱۳ تا ۱۶ ساله بود، مشخص کرد در ساختارهای محیطی که میزان عزت نفس در آنها بالاست، موجب افزایش شکل‌گیری تفکر خلاق می‌شود. علاوه بر این هر چه روحیه نهراسیدن از شکست در دانش‌آموزان تقویت شود امکان بروز خلاقیت در آنان افزایش چشمگیری می‌یابد (ماسوز، ۲۰۱۱، به نقل از برزگر و همکاران) ولی کمرویی باعث کاهش خلاقیت می‌شود (لوفتیک، ۲۰۰۰). همچنین، عزت نفس بالا می‌تواند انگیزه درونی را حفظ کند که برای خلاقیت بسیار مهم است (آماییل و جولیاننا^۵، ۲۰۱۲؛ آیزنبرگ و اسلاژ^۶، ۲۰۰۹). در مقابل افراد با عزت نفس پایین ممکن است به صورت بیرونی برانگیخته شوند (شین^۷، ۲۰۰۷). تقویت خودباوری سالم، مهم‌ترین پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت برای توسعه خلاقیت در دانش‌آموزان

1. Enjaian, Brian., Zeigler-Hill, Virgil., Vonk, Jennifer
2. Martínez
3. Kalischuk, R. G. & Thorpe, K.
4. Laasonen, R. J.
5. Julianna. P.
6. Eisenberger, R., & Aselage, J.
7. Shen, Z

است (بگنوا، ۲۰۱۰). عزت‌نفس پایین می‌تواند فاصله ای عاطفی از جهان ایجاد کند و می‌تواند انگیزه او را برای شناسایی مشکلات کاهش دهد. سطح عزت‌نفس شخص می‌تواند به عنوان یک نیروی انگیزشی قوی عمل کند. از آنجا خود ارزیابی‌های مثبت، از لحاظ احساسی لذت بخش هستند، کودکان به طور کلی برانگیخته می‌شوند تا دست به کارهایی بزنند که آنها احساس بهتری نسبت به خودشان داشته باشند. پس احتمالاً عزت‌نفس و خلاقیت یک ارتباط متقابل دارند: تصورات خوب می‌تواند به کودکان کمک کند تا در صورت مواجهه با عدم قطعیت، خطرپذیری و ابهام موفق شوند و مهارت‌های خلاقانه می‌تواند منجر به مثبت تر شدن جنبه‌های خاصی از خود بشود. همچنین عزت‌نفس می‌تواند خودتنظیمی را افزایش دهد و ادراک تهدید و اضطراب را کاهش می‌دهد و اهداف رویکردی را بجای اهداف اجتنابی تحریک و تهییج می‌کند. علاوه بر این، عزت‌نفس یک منبع روانشناختی مهم است که مانند یک سپر در برابر وقایع منفی و پردغدغه عمل می‌کند (بامیستر و همکاران، ۲۰۰۳؛ به نقل از وانگ و وانگ، ۲۰۱۶). همچنین به منظور پرورش خلاقیت، اکتفا به آموزش مناسب و برنامه ریزی برای ارتقای تفکر خلاق کافی نیست بلکه همواره باید به افراد کمک کرد تا بدین منظور، عزت‌نفس خود را افزایش دهند (آماییل، ۱۹۸۳). بنابراین عزت‌نفس امری ضروری برای خلاقیت است (نریمانی و وحیدی، ۱۳۹۲). همچنین تحقیقات اخیر نشان می‌دهند که افرادی که عزت‌نفس پایینی دارند تمایل بیشتری دارند که از هنجارهای اجتماعی پیروی کنند و تمایل کمتری به مخالفت با نظر دیگران دارند (مورای^۲ و همکاران، ۲۰۰۹). این موضوع بیانگر آن است که عزت‌نفس پایین ممکن است رفتارهایی که وابستگی متقابل را افزایش می‌دهند تقویت کند. این بدین معناست که خلاقیت افراد علاوه بر عزت‌نفس آنها می‌تواند تحت تأثیر سازه جامعه شناختی خودتفسیری^۳ قرار گیرد.

1. Be ghetto, R. A.
2. Murray, S. L.
3. Self-construal

در دهه‌های گذشته، میزان توجه و علاقه در زمینه روانشناسی از خود رو به افزایش بوده است. با توجه به جنبه‌های مختلف خود، تئوری‌های متفاوتی در این زمینه مطرح شده است (مک‌آدامز، ۲۰۱۳). در میان رویکردهای جدید به خود، یکی از امیدوارکننده‌ترین و پرکاربردترین آنها روش خودتفسیری است (مارکوس و کیتایاما، ۲۰۱۰). ایده خودتفسیری برای اولین بار توسط مارکوس و کیتایاما در سال ۱۹۹۱ معرفی شد و از آن پس به طور فزاینده برای پیش‌بینی و تبیین تفاوت‌های فرهنگی در شناخت، احساسات، انگیزه و ارتباطات مورد استفاده قرار گرفته است. ایده اصلی این روش این است که دو نوع مختلف از خود (وابسته و مستقل) وجود دارد. مفهوم خودتفسیری نشان می‌دهد که اکثر روش‌های قبلی در شناسایی هویت بر اساس مدلی از خود شخصی استوار بود که در آن، هویت جدای از نقش‌ها و روابط اجتماعی، تعریف از خواست‌ها، قابلیت و اهداف بررسی شده است (مارکوس و کیتایاما، ۲۰۱۰). با این حال دیدگاه مستقل از "خود" در توصیف نمایش خود در بین افراد با شکست مواجه شده است.

خلاقیت، حساس به متغیرهای محیطی است (هنسی و آمایل، ۱۹۹۸). از میان عواملی که نشان داده خلاقیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فرهنگ، توجه قابل ملاحظه‌ای را دریافت کرده است (استرنبرگ، ۲۰۱۶؛ لئونگ، مادوکس، گالینسکی و چیو، ۲۰۰۸؛ چیو و کوان، ۲۰۱۰). فرهنگ یک متغیر مهم زیست محیطی است و ارتباط آن با خلاقیت مورد توجه پژوهشگران بوده است. برای مثال (چیو و کوان، ۲۰۱۰؛ وارد، لیونگ و لاو، ۲۰۰۴) استدلال می‌کنند که فرهنگ می‌تواند بر پردازش خلاق از طریق اثرات آن بر فرآیندهای اجتماعی روانی تأثیر بگذارد. علاوه بر این؛ به عنوان یک ساختار روانی مربوط به فرهنگ، خودتفسیری و اثر آن بر خلاقیت را می‌توان در مطالعات فرهنگی گذشته جست‌وجو کرد

1. Mc.Adams, D. P.
2. Markus, H. R. & Kitayama, S.
3. Leung, A. K., Maddux, W. W., Kolinsky, A. D., & Chiu, C.
4. Kwan, V. S.
5. Ward, C., Leong, C. H., & Low, M.

(پوکر، ۲۰۰۳). خودتفسیری متغیری است که با فرهنگ و خود؛ که به آگاهی فرد از رابطه بین خود و محیط اطراف اشاره دارد مربوط است (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱). به طور خاص در یک جامعه فردگرا مردم به احتمال زیاد به پذیرش ارزش های فرهنگی فردگرا؛ تأکید بر افکار و احساسات درونی تمایل دارند و خود را در رابطه اهداف و ویژگی های ذاتی شان (که به عنوان خودتفسیری مستقل شناخته می شود)، به تصویر بکشند. در همین راستا، افرادی که در جوامع جمع گرا زندگی می کنند همیشه ارزش های فرهنگ گروهی را می پذیرند و به نظرات دیگران و یا رابطه بین خود و دیگران (که به عنوان خودتفسیری وابسته شناخته می شود)، اهمیت می دهند. رودروویچ^۲ (۲۰۰۳) و گانکالو و استاو^۳ (۲۰۰۶) استدلال کرده اند که گروه های دارای هنجارهای انفرادی نسبت به گروه های با هنجارهای گروهی خلاق تر هستند. همچنین تحقیقات قبلی نشان داده است که خودتفسیری مستقل بر روی رفتارهای خلاق اثر مثبتی داشته است، درحالیکه خودتفسیری وابسته گاهاً پیوند منفی با رفتارهای خلاق داشته است (پوکر، ۲۰۰۳؛ ویکنز و استپل^۴، ۲۰۰۸). البته دو و وانگ^۵ (۲۰۰۹) پیشنهاد می کنند که برخی از عوامل محیطی، مانند وابستگی فرد به روابط بین فردی، برای خلاقیت در افرادی که دارای ارزش های جمع گرایانه هستند نیز مهم است. با این حال بر اساس مدل فرد-محیط، تأثیر خودتفسیری ممکن است به متغیرهای دیگری مثل عزت نفس بستگی داشته باشد (فیلیس، ۲۰۱۰، به نقل از وانگ^۶، ۲۰۱۶). ادبیات نشان داده است که خودتفسیری با عزت نفس ارتباط دارد (دانیلسون و بنگتسون^۷، ۲۰۱۶؛ وانگ و وانگ، ۲۰۱۶؛ جورج و کراس و موریس^۸، ۲۰۰۶؛ هانوفر، بیکر و پاولمن^۹، ۲۰۰۹؛ وان، باند و

1. Ng, A
2. Rudowicz, E
3. Goncalo, J. A., & Staw, B. M
4. Weakens, C. J., & Staple, D. A.
5. Du, J., & Wang, D. N.
6. wang, yan
7. Danielsson & Bengtsson
8. Gore, J. S., Cross, S. E., & Morris, M. L
9. Hannover, B., Birkner, N., & Pöhlmann, C.

سینگلیس^۱، (۱۹۹۷). و اینکه به طور دقیق تر، خودتفسیری وابسته با عزت نفس جمعی و خودتفسیری مستقل نیز با عزت نفس فردی ارتباط مثبت و معناداری را دارد (ژیابویو و همکاران، ۲۰۱۶؛ کرنیس^۲، ۲۰۰۳؛ ناکاشیما و همکاران^۳، ۲۰۱۳). اکنون به علت مواجهه جوامع بشری با مسائل ناهمگون فزاینده و سرعت فزاینده تغییرات و مسایل متعدد دیگر، نیاز به خلاقیت اجتناب ناپذیر است. در این زمان، تفکر خلاق، کلیدی است که امکان مواجهه با مشکلات، تطبیق و درنهایت موفقیت را برای ما فراهم می کند. در زمان تغییر، راه حل های معمولی و روش های عادی، دیگر برای حل بهینه مسائل و ایجاد نوآوری مناسب نخواهد بود؛ بنابراین چارچوبی انعطاف پذیر نیاز داریم که مشوق کشف و بررسی ایده ها باشد و به همان اندازه که با ایده ها بازی می کند ترکیب ایده ها و قضاوت های سازنده را نیز رواج دهد. محققان در بررسی های خود با تمرکز کردن در یک رشته، اغلب از پیشرفت در دیگر رشته ها غافل می مانند بنابراین، درک عمیق تر نیاز به تحقیقات میان رشته ای، بر اساس یک دیدگاه نظام مند از خلاقیت دارد که انواع مختلف نیروهای مرتبطی که در سطوح مختلف عمل می کنند را شناسایی کند (هنسی و آمایل، ۲۰۱۰).

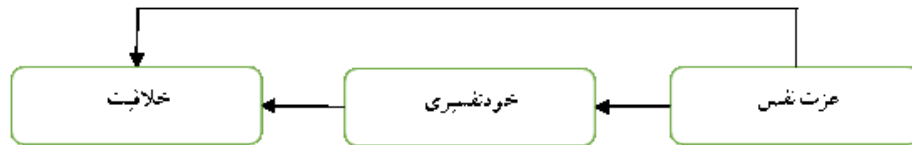
در همین راستا، بررسی دستاوردهای پژوهشی، حاکی از خلاء موجود در پژوهش های انجام شده در زمینه رابطه عزت نفس، خودتفسیری و خلاقیت است. به همین دلیل، با سازماندهی پژوهش های بیشتر بر امکان تبیین بهتر و غنای دستاوردهای پژوهشی افزوده می شود. بر همین اساس و با الهام از مبانی نظری و بررسی های موجود (بیات و یعقوبی، ۱۳۹۳؛ وانگ و وانگ، ۲۰۱۶؛ کانتر، و همکاران، ۲۰۱۶؛ جین، وانگ و دونگ، ۲۰۱۶؛ بشتولت، چوی و نیجستاد، ۲۰۱۲؛ ژیبویو و همکاران، ۲۰۱۶) پژوهش حاضر، در قالب یک پژوهش میان رشته ای، با هدف تعیین نقش واسطه ای خودتفسیری (به عنوان یک متغیر فرهنگی-جامعه

1. Kwan, V. S., Bond, M. H., & Singelis, T. M

2. Kernis, M. H.

3. Nakashima, K. I., Yanagisawa, K., & Ura, M.

شناختی) در رابطه عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان، مطابق با مدل مفهومی شکل ۱ انجام گرفت تا به پرسش های زیر پاسخ دهد:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

- ۱- آیا عزت نفس و خودتفسیری و خلاقیت باهم رابطه دارند؟
- ۲- آیا خودتفسیری مستقل می تواند بین عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان نقش واسطه ای داشته باشد؟
- ۳- آیا خودتفسیری وابسته می تواند بین عزت نفس و خلاقیت دانش آموزان نقش واسطه ای داشته باشد؟

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود و در آن ارتباطات بین عزت نفس (متغیر برونزاد)، خودتفسیری (متغیر واسطه) و خلاقیت (متغیر درونزاد)، مورد تبیین قرار گرفتند. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش، متشکل از کلیه دانش آموزان پسر مقطع سوم دبیرستان شهر کرج در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ بود که ۳۰۰ نفر دانش آموز پسر با استفاده از روش نمونه برداری چند مرحله ای انتخاب شدند. نخست از بین دبیرستان های سطح شهر، شش دبیرستان به صورت تصادفی انتخاب شدند از هر دبیرستان چندین کلاس به صورت تصادفی برگزیده شدند و مجموعاً ۳۳۰ پرسشنامه تکمیل شد. پس از بازبینی پرسشنامه ها

تعداد ۳۰ پرسشنامه که ناقص پر شده بودند کنار گذاشته شد و اطلاعات ۳۰۰ آزمودنی وارد فرآیند تجزیه و تحلیل آماری شد.

جدول ۱. توزیع فراوانی رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی	درصد فراوانی تجمعی
انسانی	۷۹	۲۶/۳	۲۶/۳
تجربی	۱۲۳	۴۱	۶۷/۳
ریاضی	۹۸	۳۲/۷	۱۰۰
کل	۳۰۰	۱۰۰	

برای جمع آوری داده ها از مقیاس عزت نفس^۱ (روزنبرگ، ۱۹۶۵)، پرسشنامه تجدید نظر شده خود تفسیری^۲ (سینگلیس، ۱۹۹۴) و آزمون سنجش خلاقیت^۳ (تورنس، ۱۹۶۵) استفاده شد.

مقیاس عزت نفس روزنبرگ (SES): در این پژوهش به منظور بررسی میزان عزت نفس افراد از پرسشنامه عزت نفس روزنبرگ استفاده شد. مقیاس عزت نفس روزنبرگ (۱۹۶۵)، عزت نفس کلی و ارزش شخصی را اندازه می گیرد. این مقیاس شامل ۱۰ عبارت کلی است که میزان رضایت از زندگی و داشتن احساس خوب در مورد خود را می سنجد. به نظر بورت و رایت^۴ (۲۰۰۲) مقیاس عزت نفس روزنبرگ (SES) یکی از رایج ترین مقیاس های اندازه گیری عزت نفس بوده و مقیاس معتبری در نظر گرفته می شود؛ زیرا برای عزت نفس از مفهومی مشابه با مفهوم ارائه شده در نظریه های روان شناختی درباره «خود» استفاده می کند. SES به منظور ارائه یک تصویر کلی از نگرش های مثبت و منفی درباره خود به وجود آمده است (روزنبرگ، ۱۹۷۹ به نقل از بورت و رایت، ۲۰۰۲). این مقیاس ضرایب

1. Rosenberg self-esteem scale
2. self-construal scale revisited
3. Torrance Tests of Creative Thinking
4. Burnet, S. & Wright, K.

همبستگی قوی‌تری نسبت به پرسشنامه عزت‌نفس کوپراسمیت (SEI) دارد و در سنجش سطوح عزت‌نفس دارای روایی بالاتری است. روزبرگ باز پدیدآوری مقیاس را ۰/۹ و مقیاس‌پذیری آن را ۰/۷ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای این مقیاس در نوبت اول ۰/۸۷ برای مردان و ۰/۸۶ برای زنان و در نوبت دوم، ۰/۸۸ برای مردان و ۰/۸۷ برای زنان محاسبه شده است (ماکیگانگاس^۱ و همکاران، ۲۰۰۴). همبستگی آزمون مجدد در دامنه ۰/۸۸ - ۰/۸۲ و ضریب همسانی درونی یا آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۸۸ - ۰/۷۷ قرار دارد. این مقیاس از روایی داخلی رضایت بخشی (۰/۷۷) برخوردار است. همچنین همبستگی بالایی با پرسشنامه ملی نیویورک و گاتمن در سنجش عزت‌نفس دارد لذا روایی محتوایی آن نیز مورد تأیید است. برای تعیین اعتبار علمی ابزار از روش روایی محتوایی استفاده شده است. در ایران نیز رجبی پایایی و روایی این پرسشنامه را در دانشجویان مورد بررسی قرار داده است و ضرایب همسانی درونی ماده‌ها ۰/۸۴ به دست آمده است ضرایب همبستگی بین هر یک از ماده‌های مقیاس با نمره کل ماده‌ها از ۰/۵۶ تا ۰/۷۲ متغیر و همگی در سطح ۰/۰۱ معنادار بوده است تحلیل عاملی با استفاده از عامل‌یابی محور اصلی (چرخش پروماکس) در مقیاس فوق دو عامل (صلاحیت و شایستگی شخصی و رضامندی از خود) که ۰/۵۳/۸۳ واریانس مقیاس را تبیین نمود به دست داد. به علاوه آزمون تحلیل واریانس چند متغیری نشان داد که بین دانشجویان دختر و پسر از لحاظ عزت‌نفس در کل مقیاس و در عامل‌های استخراج شده دوگانه تفاوت دیده نمی‌شود (رجبی، ۱۳۸۶).

آزمون سنجش خلاقیت تورنس (TTCT): این پرسشنامه در ادبیات روانشناسی به آزمون خلاقیت تورنس مشهور و بر پایه تعریف وی از خلاقیت ساخته شده است. آزمونی که تحت عنوان سنجش خلاقیت تورنس در ایران شناخته می‌شود در واقع شکل کوتاه شده و استاندارد شده آن است که توسط دکتر عابدی استاد دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۲ ساخته و معرفی گردیده و در ادبیات روانشناسی کشورمان با علامت اختصاری CT شناخته می‌شود.

1. Makikangas, A.

تاکنون بیش از ۲۰۰۰ مقاله علمی که در آنها آزمون تورنس به عنوان ملاک سنجش خلاقیت استفاده شده، چاپ شده است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳، ص ۲). این آزمون در واقع چهار عامل تشکیل دهنده خلاقیت یعنی سیالی، ابتکار، انعطاف و بسط را مورد سنجش قرار می دهد که به ترتیب شامل ۱۶، ۲۲، ۱۱ و ۱۱ گزینه است؛ یعنی سوال های ۱ تا ۲۲ عامل سیالی، ۲۳ تا ۳۳ عامل بسط، ۳۴ تا ۴۹ عامل ابتکار و ۵۰ تا ۶۰ عامل انعطاف پذیری را می سنجند. هرگزینه سه پاسخ متفاوت الف، ب و ج (کیفی) با ارزش تبدیل به کمیت عددی ۰، ۱ و ۲ را دارند. فرض است در هر مورد سؤال انتخاب کننده گزینه الف کمترین و انتخاب کننده ج بیشترین میزان خلاقیت را دارد. مجموع نمرات کسب شده در هر خرده آزمون، نمایانگر نمره آزمودنی در آن بخش است و مجموع نمرات آزمودنی در چهار خرده آزمون، نمره کلی خلاقیت فرد را نشان می دهد. نمرات حاصل از سنجش هرچهار عامل به تنهایی و مجموع نمرات در کل، قابل تحلیل و تفسیر هستند دامنه نمره کل خلاقیت هر آزمودنی بین ۰ تا ۱۲۰ خواهد بود. بنابراین براساس نرم آزمون تورنس، امتیازبندی میزان خلاقیت به شرح ذیل خواهد بود: خلاقیت بسیار زیاد: امتیاز ۱۲۰ الی ۱۰۰؛ خلاقیت زیاد: امتیاز ۱۰۰ الی ۸۵؛ خلاقیت متوسط: ۸۵ امتیاز الی ۷۵؛ خلاقیت کم: امتیاز ۷۵ الی ۵۰؛ خلاقیت بسیار کم: امتیاز ۵۰ و پائین تر.

آزمون مورد استفاده در این تحقیق به عنوان فرم دکتر عابدی شناخته می شود. این پرسشنامه به دانش آموزان، که هدف اساسی تحقیق سنجش و باروری قوای خلاقانه آنهاست ارائه و از آنان خواسته می شود گزینه مناسب را انتخاب نماید (دائمی، ۱۳۸۳). براساس نتایج تحقیقات انجام شده توسط عابدی، پایایی آزمون خلاقیت مورد استفاده که از طریق آزمون مجدد بر روی دانش آموزان مدارس راهنمایی تهران در سال ۱۳۶۳ به دست آمده در چهار بخش آزمون به این شرح است: ضریب پایایی بخش سیالی ۸۵٪، بخش ابتکار ۸۲٪، بخش انعطاف پذیری ۸۵٪، در بخش بسط ۸۰٪ بوده است (عابدی، ۱۳۷۲) ضریب همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ برای خرده آزمون های سیالی، انعطاف پذیری، ابتکار و بسط

روی ۲۲۷۰ دانش آموز اسپانیایی به ترتیب ۷۵٪، ۶۶٪، ۶۱٪ و ۶۱٪ به دست آمده است و نتایج تحقیقات عابدی حاکی است در روش آزمون - باز آزمون که بر روی ۵۸ دانش آموز با فاصله ۱۵ روز اجراء گردیده ضرایب همبستگی خرده آزمون های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری در اجرای اول و دوم به ترتیب ۰۲۳٪، ۴۴۴٪، ۶۱۴٪ و ۵۹۵٪ به دست آمده است که جز مقوله سیالی، ضرایب همبستگی بقیه مقولات در حد ۱٪ در صد معنی دار است و در روش ضریب همسانی درونی آلفای کرونباخ نیز ضریب همسانی درونی برای ۸۱۹ دانش آموز در خرده آزمون های سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری، به ترتیب ۶۷٪، ۴۸٪، ۶۸٪ و ۵۵٪ به دست آمده که در حد ۱٪ معنی دار است. در روش همبستگی هر سؤال با نمره کل آزمون نیز نتایج در سطح ۱٪ معنی دار بوده است (دائمی، ۱۳۸۳).

مقیاس خودتفسیری (SCS): تاکنون، SCS پرکاربردترین مقیاس برای خود تفسیری بوده است. مقیاس خودتفسیری اولیه، دو عامل (مستقل / وابسته) داشت که هرکدام شامل ۱۲ گویه (مجموعاً ۲۴ گویه) بود، پس از آن به ۱۵ گویه برای هر عامل گسترش یافت. این نسخه از SCS شامل ۱۲ گویه اصلی خرده مقیاس مستقل (۲۹-۲۷-۲۵-۲۲-۲۰-۱۸-۱۵-۱۳-۱۰-۹-۲-۱) و ۱۲ گویه خرده مقیاس وابسته (۲۸-۲۶-۲۳-۲۱-۱۹-۱۷-۱۶-۱۱-۸-۶-۴-۳) از پرسشنامه سینگلیس (۱۹۹۴) است. شش گویه جدید به منظور بهبود اعتبار درونی مقیاس اصلی اضافه شده است: مستقل (۵-۷-۲۴) و وابسته (۱۲-۱۴-۳۰). آلفای کرونباخ با ۱۵ گویه، میانگین از ۶۰ تا ۷۰ محاسبه شده است. به نظر می رسد با توجه به گستردگی ساختار و طیف گسترده افکار و احساسات و رفتارهایی که با این مقیاس ارزیابی می شوند، کافی است (کیتایاما و همکاران، ۲۰۱۴؛ کریستوفر، نوریس، دیسوزا و تایرنان^۲، ۲۰۱۲). در این مطالعه از پرسشنامه ۳۰ سوالی و مدل ۶ عاملی این مقیاس، از هاردین^۳ و همکاران (۲۰۰۴) استفاده شده است. مجموع چهار تایی این عوامل خودتفسیری مستقل هستند: (۱) خودمختاری /

1. Kitayama
2. Christopher, Norris, D'Souza & Tiernan
3. Hardin, E. E.

ابراز وجود (۷گویه)، فردگرایی (۶گویه)، ثبات رفتاری (۲گویه)، تقدم خود (۳گویه)، و دو عامل دیگر خرده مقیاس وابسته: عامل رعایت ارزش های گروه (۱۰گویه) و عامل وابستگی به رابطه (۴گویه). پاسخ ها بر اساس یک طیف لیکرت ۷درجه ای تدوین شده اند.

در پژوهشی که نگارنده به منظور بررسی ساختار عاملی نسخه فارسی مقیاس خودتفسیری (SCS) در جامعه دانشجویی ایران انجام داد، نتایج تحلیل عاملی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه های اصلی نشان داد که این پرسشنامه، مقیاسی چند بعدی است. از نظر مطالعات بین فرهنگی، تشابه عوامل استخراج شده با پژوهش های (کیتایاما و همکاران، ۲۰۱۴؛ کریستوفر و همکاران، ۲۰۱۲؛ کام و همکاران، ۲۰۱۲؛ هاردین و همکاران، ۲۰۰۴) هم در تعداد و هم در ترتیب، و نیز درصد قابل ملاحظه واریانس تبیین شده به وسیله عوامل استخراج شده، بیانگر روایی سازه مناسب این پرسشنامه است. به منظور تعیین مطلوبیت شاخص های ضریب پایایی از روش ضریب همسانی درونی استفاده شد. ضرایب پایایی برای کل مقیاس و عوامل آن بین ۰/۷۱-۰/۵۲ قرار دارد که ضرایب مطلوبی است و به مطالعات قبلی، هاردین و همکاران (۲۰۰۴)؛ کیتایاما و همکاران (۲۰۱۴)؛ کریستوفر و همکاران (۲۰۱۲) نزدیک است. ضرایب پایایی مربوط به مقیاس خودتفسیری به شرح زیر است: خودمختاری / ابراز وجود (۰/۵۲)، فردگرایی (۰/۶۱)، ثبات رفتاری (۰/۵۳)، تقدم خود (۰/۶۴)، رعایت ارزش های گروه (۰/۷۱) و وابستگی به رابطه (۰/۶۹).

یافته ها

جدول ۲. ضرایب همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیرها	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴
۱- خلاقیت	۸۹/۱۴	۱۵/۸۲	—			
۲- خودتفسیری وابسته	۴۹/۹۰	۲/۶۰	۰/۵۱۴ **	—		
۳- خودتفسیری مستقل	۵۳/۴۰	۳/۲۵	۰/۵۴۴ **	۰/۶۷۰ **	—	
۴- عزت نفس	۷/۵۷	۱/۸۸	۰/۲۶۲ **	۰/۴۰۸ **	۰/۴۵۸ **	—

** $p < 0.01$

بر اساس اطلاعات جدول فوق ملاحظه می شود که همبستگی بین خودتفسیری وابسته با خلاقیت ۰/۵۱۴، بین خودتفسیری مستقل با خلاقیت ۰/۵۴۴، و بین عزت نفس با خلاقیت ۰/۲۶۲ است که تمامی این مقادیر در سطح معناداری ۰/۹۹ معنادار هستند. جهت مثبت این روابط نشان می دهد که با افزایش هر یک از متغیرهای مذکور، میزان خلاقیت افزایش می یابد. همبستگی بین خودتفسیری و عزت نفس هم در جدول بالا مثبت و معنادار نشان داده شده است. با توجه به این یافته ها، فرضیه پژوهش تأیید می شود.

همچنین برای بررسی سؤال اول پژوهش از روش بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد. بدین صورت که ابتدا رگرسیون بین متغیر پیش بین اصلی و متغیر ملاک محاسبه می شود. در مرحله بعد رگرسیون بین متغیر پیش بین با متغیری که نقش واسطه بودنش بررسی می شود محاسبه می شود. در مرحله سوم رگرسیون همزمان بین متغیر پیش بین اصلی و متغیری که احتمال نقش واسطه بودنش می رود با متغیر ملاک محاسبه می شود و ضرایب β این مرحله با مرحله اول مقایسه می شود، اگر ضریب β متغیر پیش بین در مرحله سوم از ضریب β در مرحله اول کوچک تر باشد، آنگاه می توان گفت که متغیری که احتمال نقش واسطه بودنش بررسی می شد، نقش واسطه ای داشته است. با توجه به این توضیحات در مورد این سؤال ابتدا رگرسیون بین عزت نفس و خلاقیت محاسبه شده است. در مرحله بعد رگرسیون بین عزت نفس و خودتفسیری مستقل محاسبه شده است. در مرحله سوم رگرسیون همزمان

عزت نفس و خودتفسیری مستقل با خلاقیت محاسبه شده است و در مرحله آخر مقایسه ها صورت گرفته است که نتایج آن در ادامه ارائه شده است.
مرحله اول:

جدول ۳. خلاصه نتیجه معادله رگرسیون متغیر پیش بین عزت نفس با متغیر ملاک خلاقیت

متغیر پیش بین	(R)	(R ²)	F	سطح معناداری	ضریب β	مقدار t	سطح معناداری
عزت نفس	۰/۲۶۲	۰/۰۶۹	۲۱/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۲۶۲	۴/۶۸	۰/۰۰۱

در جدول ۳، مقدار R همبستگی بین متغیر (های) پیش بین با متغیر ملاک را نشان می دهد و R² مقدار ضریب تعیین یا به عبارتی مقدار واریانسی از متغیر ملاک است که توسط متغیر (های) پیش بین تبیین می شود. با توجه به این توضیحات، عزت نفس وارد معادله شده است و مقدار همبستگی آن با متغیر خلاقیت ۰/۲۶۲ است و ۶/۹ درصد از تغییرات خلاقیت را تبیین می نماید. براساس آماره F و سطح معناداری آن در جدول فوق که به این سؤال پاسخ می دهد که آیا مقدار واریانس تبیین شده توسط متغیر (های) پیش بین به لحاظ آماری معنادار است یا خیر، ملاحظه می شود که با توجه به مقدار آن (F= ۲۱/۹۶) که در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است، میزان ضرایب همبستگی و ضریب تبیین بدست آمده معنادار می باشند. مقدار ضریب استاندارد β نشان می دهد تاثیر عزت نفس در پیش بینی خلاقیت ۰/۲۶۲ و مثبت است.

مرحله دوم:

جدول ۴. خلاصه نتیجه معادله رگرسیون متغیر پیش بین عزت نفس با خودتفسیری مستقل

متغیر پیش بین	(R)	(R ²)	F	سطح معناداری	ضریب β	مقدار t	سطح معناداری
عزت نفس	۰/۴۵۸	۰/۲۰۹	۷۸/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۴۵۸	۸/۸۸	۰/۰۰۱

در جدول ۴، عزت نفس وارد معادله شده است و مقدار همبستگی آن با متغیر خودتفسیری مستقل ۰/۴۵۸ است و ۲۰/۹ درصد از تغییرات خودتفسیری مستقل را تبیین می نماید.

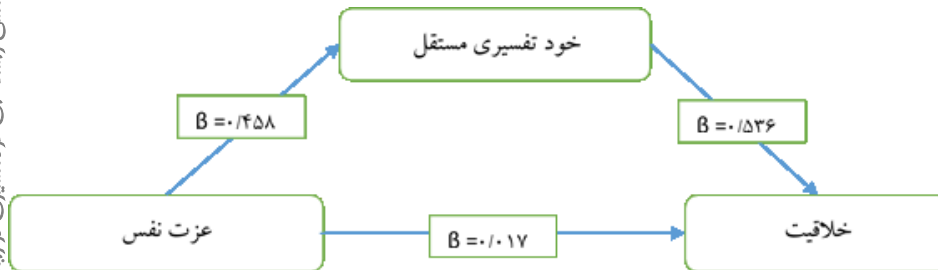
براساس آماره $f(78/96)$ که در سطح اطمینان $0/99$ معنادار است، میزان ضرایب همبستگی و ضریب تبیین بدست آمده معنادار می‌باشند. مقدار ضریب استاندارد β نشان می‌دهد تأثیر عزت نفس در پیش بینی خودتفسیری مستقل $0/458$ و مثبت است. مرحله سوم:

جدول ۵. خلاصه نتیجه معادله رگرسیون متغیرهای پیش بین خودتفسیری مستقل و عزت نفس با متغیر

ملاک خلاقیت

متغیر پیش بین	(R)	(R ²)	F	سطح معناداری	ضریب	مقدار	سطح معناداری
					β	t	
خودتفسیری مستقل	0/544	0/296	62/45	0/001	0/536	9/79	0/001
عزت نفس					0/017	0/302	0/763

در جدول ۵، خودتفسیری مستقل و عزت نفس باهم وارد معادله شده است و مقدار همبستگی آنها با متغیر خلاقیت $0/544$ است و $29/6$ درصد از تغییرات خلاقیت را تبیین می‌نمایند. براساس آماره $f(62/45)$ که در سطح اطمینان $0/99$ معنادار است، میزان ضرایب همبستگی و ضریب تبیین بدست آمده معنادار می‌باشند. مقدار ضریب استاندارد β برای خودتفسیری مستقل و عزت نفس نشان می‌دهد تأثیر خودتفسیری مستقل و عزت نفس در پیش بینی خلاقیت به ترتیب $0/536$ و $0/017$ است. با مقایسه ضرایب β عزت نفس در جدول ۳ که $0/262$ بوده است و جدول ۵ که $0/017$ شده است، مشاهده می‌شود که مقدار این ضریب کاهش داشته است و با توجه به مقدار t و سطح معناداری آن این مقدار ضریب از معناداری افتاده است، این کاهش نشان می‌دهد که خودتفسیری مستقل در رابطه بین عزت نفس و خلاقیت نقش واسطه‌ای دارد.



شکل ۲. دیاگرام مسیر را نشان می‌دهد

برای بررسی سؤال دوم پژوهش نیز از روش بارون و کنی (۱۹۸۶) استفاده شد. همان طور که در جدول ۶ می‌بینید، عزت نفس و خلاقیت وارد معادله شده و مقدار ضریب استاندارد β نشان می‌دهد تأثیر عزت نفس در پیش‌بینی خلاقیت ۰/۲۶۲ و مثبت است.

مرحله اول:

جدول ۶. خلاصه نتیجه معادله رگرسیون متغیر پیش بین عزت نفس با متغیر ملاک خلاقیت

متغیر پیش بین	(R)	(R ²)	F	سطح معناداری	ضریب β	مقدار t	سطح معناداری
عزت نفس	۰/۲۶۲	۰/۰۶۹	۲۱/۹۶	۰/۰۰۱	۰/۲۶۲	۴/۶۸	۰/۰۰۱

مرحله دوم:

جدول ۷. خلاصه نتیجه معادله رگرسیون متغیر پیش بین عزت نفس و خودتفسیری وابسته

متغیر پیش بین	(R)	(R ²)	F	سطح معناداری	ضریب β	مقدار t	سطح معناداری
عزت نفس	۰/۴۰۸	۰/۱۶۶	۵۹/۴۱	۰/۰۰۱	۰/۴۰۸	۷/۷۰	۰/۰۰۱

در جدول ۷ عزت نفس وارد معادله شده است و مقدار همبستگی آن با متغیر خودتفسیری وابسته ۰/۴۰۸ است و ۱۶/۶ درصد از تغییرات خودتفسیری وابسته را تبیین می‌نماید. براساس آماره f (۵۹/۴۱) که در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است، میزان ضرایب همبستگی و ضریب

تیین بدست آمده معنادار می‌باشند. مقدار ضریب استاندارد β نشان می‌دهد تأثیر عزت نفس در پیش‌بینی خودتفسیری وابسته ۰/۴۰۸ و مثبت است.

مرحله سوم

جدول ۸. خلاصه نتیجه معادله رگرسیون متغیرهای پیش بین خودتفسیری وابسته و عزت نفس با متغیر

ملاک خلاقیت

متغیر پیش بین	(R)	(R ²)	F	سطح معناداری	ضریب β	مقدار t	سطح معناداری
خودتفسیری وابسته	۰/۵۱۷	۰/۲۶۸	۵۴/۲۶	۰/۰۰۱	۰/۴۸۹	۸/۹۸	۰/۰۰۱
عزت نفس					۰/۰۶۳	۱/۱۵	۰/۲۴۹

در جدول ۸، خودتفسیری وابسته و عزت نفس باهم وارد معادله شده است و مقدار همبستگی آنها با متغیر خلاقیت ۰/۵۱۷ است و ۲۶/۸ درصد از تغییرات خلاقیت را تبیین می‌نمایند. براساس آماره f (۵۴/۲۶) که در سطح اطمینان ۰/۹۹ معنادار است، میزان ضرایب همبستگی و ضریب تبیین به دست آمده معنادار می‌باشند. مقدار ضریب استاندارد β برای خودتفسیری وابسته و عزت نفس نشان می‌دهد تأثیر خودتفسیری وابسته و عزت نفس در پیش‌بینی خلاقیت به ترتیب ۰/۴۹۸ و ۰/۰۶۳ است. با مقایسه ضرایب β عزت نفس در جدول ۶ که ۰/۲۶۲ بوده است و جدول ۸ که ۰/۰۶۳ شده است مشاهده می‌شود که مقدار این ضریب کاهش داشته است و با توجه به مقدار t و سطح معناداری آن این مقدار ضریب از معناداری افتاده است. این کاهش نشان می‌دهد که خودتفسیری وابسته در رابطه بین عزت نفس و خلاقیت نقش واسطه ای دارد.



شکل ۳. دیاگرام مسیر را نشان می دهد

بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش، تعیین نقش واسطه ای خود تفسیری در رابطه میان عزت نفس و خلاقیت بود. رابطه معنادار بین عزت نفس و خلاقیت در پژوهش حاضر، با یافته های تحقیقات بیات و یعقوبی (۱۳۹۳)؛ برزگر و همکاران (۱۳۹۳)؛ حسن زاده و ایمانی فر (۱۳۸۹)؛ وانگ و وانگ (۲۰۱۶)؛ کانترو، بنلیور و ملودرو (۲۰۱۶)؛ دنک و ژانگ (۲۰۱۱)؛ مک دونالد و بیگلاو (۲۰۱۰)؛ همخوانی دارد. اثر مثبت عزت نفس بر خلاقیت می تواند به شرح زیر توضیح داده شود: عزت نفس بالا می تواند انگیزه درونی را حفظ کند که برای خلاقیت بسیار مهم است (آماییل و جولیان، ۲۰۱۲؛ آیزنبرگ و اسلاژ، ۲۰۰۹). در مقابل افراد با عزت نفس پایین ممکن است به صورت بیرونی برانگیخته شوند (شن، ۲۰۰۷). عزت نفس پایین می تواند فاصله ای عاطفی از جهان ایجاد کند و می تواند انگیزه او را برای شناسایی مشکلات کاهش دهد. سطح عزت نفس شخص می تواند به عنوان یک نیروی انگیزشی قوی عمل کند. از آنجا خود ارزیابی های مثبت از لحاظ احساسی لذت بخش هستند. کودکان به طور کلی برانگیخته می شوند تا دست به کارهایی بزنند که آنها احساس بهتری نسبت به خودشان داشته باشند پس احتمالاً عزت نفس و خلاقیت یک ارتباط متقابل دارند: تصورات خوب می تواند

به کودکان کمک کند تا در صورت مواجهه با عدم قطعیت، خطرپذیری و ابهام موفق شوند و مهارت های خلاقانه می تواند منجر به مثبت تر شدن جنبه های خاصی از خود بشود.

همچنین در مطالعه حاضر، خودتفسیری مستقل می تواند خلاقیت را به صورت مثبت و معنادار پیش بینی کند. این یافته با ادبیات قبلی هماهنگ است (وانگ و وانگ، ۲۰۱۶؛ جین، و همکاران، ۲۰۱۶؛ بشتولت، چوی و نیجستاد، ۲۰۱۲). ویکنز و استاپل استدلال می کنند که خودتفسیری مستقل، انگیزه را برای متفاوت بودن افزایش می دهد و بر این اساس، همین مسأله تفکر واگرا را افزایش می دهد. پوکر ارتباط بین خودتفسیری و خلاقیت را از منظر تفاوت های فرهنگی توضیح می دهد. او پیشنهاد کرد که چون که ارزش های فردگرایانه استقلال و منحصر به فرد بودن را تشویق می کنند، فضای مناسبی برای خلاقیت فردی است. علاوه بر این، هر دو تجزیه و تحلیل همبستگی و تجزیه و تحلیل رگرسیون نشان می دهد که نه تنها خودتفسیری وابسته برای خلاقیت مضر نیست بلکه در خیلی از جهات برای خلاقیت مفید نیز است. این یافته با یافته های قبلی متفاوت است که بر رابطه منفی بین خودتفسیری وابسته و خلاقیت تأکید می کند (پوکر، ۲۰۰۳؛ ویکنز و استاپل، ۲۰۰۶). با این وجود یافته های فعلی با برخی از تحقیقات همراه و همسو است. برای مثال، وانگ و وانگ (۲۰۱۶)؛ جین، و همکاران (۲۰۱۶)؛ هانوفر و همکاران (۲۰۰۹) استدلال می کنند که افرادی که خودتفسیری وابسته دارند روابط بین فردی هماهنگ و وضعیت اجتماعی مناسبی دارند؛ در نتیجه سطح عزت نفس آنها بالاست که به نوبه خود منجر به خلاقیت بالا می شود.

همچنین نتایج بررسی ها نشان دادند که میزان پیش بینی کنندگی عزت نفس بر خلاقیت با وارد کردن مؤلفه های خودتفسیری به عنوان متغیر واسطه در تحلیل رگرسیون کاهش یافت. این امر مهمترین شاخص برای مطرح ساختن خودتفسیری به عنوان متغیر واسطه ای است. نتایج به دست آمده مبنی بر تأیید نقش واسطه ای خودتفسیری (مستقل و وابسته) در رابطه بین عزت نفس با خلاقیت با یافته های مطالعات صورت گرفته توسط ژیاو و همکاران (۲۰۱۶)؛ دانلیسون و بنگتسون (۲۰۱۶)؛ وانگ و وانگ (۲۰۱۶)؛ جورج و کراس و موریس

(۲۰۰۶)؛ وان، باند و سینگلیس (۱۹۹۷)؛ که ارتباط میان عزت نفس با خودتفسیری را تأیید نموده بودند همخوان است. نتایج این پژوهش از دو جنبه نظری و عملی اهمیت دارد. از جنبه نظری، نتایج این پژوهش نشان داد نقش متغیرهای فرهنگی در تبیین و پیش بینی خلاقیت به مراتب بیشتر از متغیرهای فردی است

با توجه به اینکه پژوهش های جدید در حوزه خلاقیت، خلاقیت را فقط یک توانایی فردی نمی دانند بلکه آن را بیشتر یک موضوع اجتماعی و فرایندی مشارکتی توصیف می کنند (کلاپ، ۲۰۱۷؛ وانگ، ۲۰۱۶)، به نحوی که خلاقیت به شیوه های مختلف به وسیله انواع ساختارهای اجتماعی خاص ایجاد می شود و یک پدیده جمعی است، به پژوهشگران بعدی پیشنهاد می شود جنبه های محیطی، ساختارهای اجتماعی در خلاقیت دانش آموزان یا دانشجویان مورد بررسی علمی قرار گیرد.

همچنین با ارائه الگویی در زمینه خلاقیت، که در آن توالی جدیدی از سازه های تأثیرگذار بر خلاقیت مدنظر قرار گرفته است بدنه پژوهش های پیشین را در زمینه خلاقیت تکمیل می کند. در عمل نیز نتایج این پژوهش را می توان در سیاستگذاری های نظام آموزشی در ایران به کار گرفت. بدین شرح که تربیت افرادی که خودپذیری و استقلال بالا و نگرانی کمتری برای نظرات دیگران دارند باید در اولویت کار خانواده ها و دستگاه آموزش و پرورش قرار بگیرد؛ زیرا پرورش این ویژگی ها، زمینه را برای شکل گیری عزت نفس بالا و بروز تفکر واگرا فراهم می کند که تضمین کننده رفتارهای خلاق است. همچنین لازم است مسئولین و دست اندرکاران امور تعلیم و تربیت، بر مبنای یافته های این تحقیق و پژوهش های مشابه جهت ایجاد بستر مناسب برای پرورش افراد خلاق و همچنین شناخت و ارتقای سطح خلاقیت دانش آموزان و دانشجویان بیشتر به ساختارهای اجتماعی و بافت های فرهنگی توجه کنند تا خصوصیات و ویژگی های فردی. تفسیر یافته های این پژوهش را باید با محدودیت های آن در نظر گرفت. اجرای پژوهش در میان دانش آموزان باعث می شود که تعمیم دهی آن به سایر گروه های جمعیتی محل تردید قرار گیرد. همچنین استفاده صرف از

ابزارهای خودگزارشی بجای بررسی رفتار واقعی این احتمال را مطرح می‌کند که خود را بهتر از آنچه هست نشان داده است. به علاوه کمبود پژوهش‌های انجام شده، بخصوص در مورد خودتفسیری باعث محدودیت بیشتر در زمینه بهره‌گیری از نظریه‌ها و پژوهش‌های تجربی می‌شود. در مجموع این مطالعه با توجه به تحقیقات اندک در زمینه خودتفسیری در دانش آموزان، به عنوان یک تأیید پژوهشی تلقی می‌شود.

سپاسگزاری: این پژوهش برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه خوارزمی (کد: ۱۳۷۰۷۶۷) است. نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از همکاری و مساعدت سازمان آموزش و پرورش شهر کرج و همه عزیزانی که در این پژوهش ما را یاری نموده‌اند سپاسگزاری نمایند.

منابع

- اسکندری، سجاد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه هوش هیجانی و خلاقیت با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان هنرستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی تهران.
- برزگر بفروئی، فاضل؛ صالح پور، مصطفی و امام جمعه، سید محمدرضا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه منبع کنترل و عزت‌نفس با خلاقیت در دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر اردکان، فصلنامه روان‌شناسی مدرسه، سال سوم،
- بیات، احمد و یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۳). رابطه عزت‌نفس دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا با شادکامی و خلاقیت آنها، فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره سوم، شماره ۴، صص ۱۴۷ - ۱۶۴.
- حسن زاده، رمضان و ایمانی فر، پریسا. (۱۳۸۹). رابطه خلاقیت و عزت‌نفس با پیشرفت تحصیلی نوجوانان و جوانان. مجله تخصصی جامعه‌شناسی، سال اول پیش شماره سوم.

- دائمی، حمیدرضا و مقیمی، سیده فاطمه. (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت تورنس، مجله تازه های علوم شناختی، دوره ۶، شماره ۴-۳ (مسلسل ۲۴)؛ صص ۱-۸.
- رجبی، غلامرضا و بهلول، نسرین. (۱۳۸۶). سنجش پایایی و روایی مقیاس عزت نفس روزنبرگ در دانشجویان سال اول دانشگاه شهید چمران اهواز. مجله پژوهش های تربیتی و روانشناختی، سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، صص ۳۳-۴۸.
- زینلی، زهرا. (۱۳۸۹). رابطه راهبردهای فراشناختی و خلاقیت با عزت نفس و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی شهر سده. رساله کارشناسی ارشد، روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرو دشت، ص ۱۴۵.
- شیولسون، ریچارد جی. (۱۹۸۸). استدلال آماری در علوم رفتاری. جلد دوم، قسمت دوم. ترجمه علیرضا کیامنش. چاپ دوم. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی - واحد علامه طباطبایی (۱۳۸۴).
- عابدی، جمال. (۱۳۷۲). خلاقیت و شیوه ای نو در اندازه گیری آن، پژوهش های روانشناختی، شماره ۱ و ۲، تهران.
- غفوری آثار، مریم و میرهاشمی، مالک و حمزه گنجی. (۱۳۹۵). سهم هوش هیجانی، ویژگی های شخصیتی و عوامل جمعیتی با میانجی گری انگیزش پیشرفت در تبیین خلاقیت دانش آموزان دوره متوسطه، فصل نامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، دوره ششم، شماره یک تابستان ۱۳۹۵، ۹۱-۱۰۸.
- قره بیگلر، مینو. (۱۳۹۱)، نقش عوامل محیطی در پرورش خلاقیت کودکان، ویژه نامه مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، دوره ۴، شماره ۱۹، صفحه ۸۶-۹۱.
- کفایت، محمد. (۱۳۷۳). بررسی ارتباط شیوه ها و نگرش های فرزند پروری با خلاقیت دانش آموزان سال اول دبیرستان های اهواز.
- نریمانی، محمد و وحیدی، زهره. (۱۳۹۲). مقایسه ی نارسایی هیجانی، باورهای خودکارآمدی و عزت نفس در میان دانش آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. ناتوانی های یادگیری، ۳(۲)، ۸۷-۹۱.

نیک فرد، مریم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه هوش هیجانی و شیوه‌های فرزندپروری مادران با خلاقیت دختران دبستانی شهر کرمانشاه، پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه.

- Amabile, T. (1983). Social psychology of creativity: A componential conceptualization. *Journal of Personality on Social Psychology*, 45, 357-377.
- Amabile, T., and Julianna P. (2012) "Perspectives on the Social Psychology of Creativity." *Journal of Creative Behavior*, 46, no. 1: 3–15. doi:10.1002/jocb.001.
- Arnes, K., & Ward, C. (2001). Cross-cultural transitions and sojourner adjustment in Singapore. *The Journal of Social Psychology*, 129(2), 273–275.
- Baron, R. M., & Kenny. D. A. (1986). The moderator-mediator variable distinction in social psychological research: conceptual, strategic, and statistical considerations. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1173-1182.
- Baumeister, R. F., Campbell, J. D., Krueger, J. I., & Vohs, K. D. (2003). Does high self-esteem cause better performance, interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles? *Psychological Science in the Public Interest*, 4(1), 1–44.
- Bechtoldt, M. N., Choi, H-S. & Nijstad, B. A. (2012). In: *Journal of Experimental Social Psychology*. 48, 4, p. 838-844 7 p.
- Bionova Ltd. 360 Optimi environmental assessment tool. More information online: <http://www.360optimi.com/en/home>, accessed 30.11.2014.
- Burnet, S. & Wright, K. (2002). *The relationship between connectedness with family and self-esteem in university students*. Department of Sociology, Furnam University.
- Cantero, M. J., Alfonso-Benlliure, V., & Melero, R. (2016). Creativity in middle childhood: Influence of perceived maternal sensitivity, self-esteem, and shyness. *Creativity Research Journal*, 28(1), 105–113. Creativity in Middle Childhood: Influence of Perceived Maternal Sensitivity, Self-esteem, and Shyness, Creativity

- Research Journal, 28:1, 105-113, DOI: 10.1080/10400419.2016.1125246
- Chang, W. C., Osman, M. M., Tong, E. M., & Tan, D. (2011). Self-construal and subjective wellbeing in two ethnic communities in Singapore. *Psychology*, 2, 63–70
- Chiu, C. Y., & Kwan, L. Y. Y. (2010). Culture and creativity: A process model. *Management and Organization Review*, 6(3), 447–461.
- Christopher, M. S., Norris, P., D'Souza, J. B., & Tiernan, K. (2012). A test of the multidimensionality of the Self-Construal Scale in Thailand and the United States. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 43, 758-773.
- Yunlu, D. G., Clapp-Smith, R., & Shaffer, M. (2017). Understanding the Role of Cultural Intelligence in Individual Creativity. *Creativity Research Journal*, 29(3), 236-243.
- Danielsson. M., & Bengtsson. H., Global self-esteem and the processing of positive information about the self. (2016). *Personality and Individual Differences*. Volume 99, September 2016, Pages 325-330.
- Du, J., & Wang, D. N. (2009). Person-environment fit and creativity: *The moderating role of collectivism*. *Acta Psychologica Sinica*, 41(10), 980–988.
- Deng, X. P., & Zhang, X. K. (2011). Understanding the relationship between self-esteem and creativity: *A meta-analysis*. *Advances in Psychological Science*, 19(5), 645–651.
- Eisenberger, R., & Aselage, J. (2009). Incremental effects of reward on experienced performance pressure: Positive outcomes for intrinsic interest and creativity. *Journal of organizational Behavior*, 30(1), 95–117.
- Enjaian, Brian., Zeigler-Hill, Virgil., Vonk, Jennifer. (2017). the relationship between approval-based contingent self-esteem and conformity is influenced by sex and task difficulty, *Personality and Individual Differences*, Volume 115, Pages 58-64, ISSN 0191-8869, <http://dx.doi.org/10.1016/j.paid.2016.06.040>.
- Goncalo, J. A., & Staw, B. M. (2006). Individualism–collectivism and group creativity. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 100(1), 96–109

- Gore, J. S., Cross, S. E., & Morris, M. L. (2006). Let's be friends: relational self- construal and the development of intimacy. *Personal Relationships*, 13, 83–102
- Hannover, B., Birkner, N., & Pöhlmann, C. (2009). Ideal selves and self-esteem in people with independent or interdependent self-construal. *European Journal of Social Psychology*, 36(1), 119–133.
- Hardin, E. E., Leong, F. T. L., & Bhagwat, A. (2004). Factor structure of the Self-Construal Scale: Implications for the multi-dimensionality of self-construal. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 35, 327-345
- Hennessey, B. A., & Amabile, T. M. (1998). Reward, intrinsic motivation, and creativity. *American Psychologist*, 53, 674–675
- Hennessey, B. A., & Amabile, T. M. (2010). Creativity. *Annual Review of Psychology*, 61 (2010), pp. 569–598
- Jeffrey, B. & Craft, A. (2001). *The universalization of creativity*. In A. Craft, B. Jeffrey, & M. Leibling (Eds.). *Creativity in education*. London: Continuum International Publishing Group.
- Jin, X., Wang. & Dong, H. (2016). The relationship between self-construal and creativity—Regulatory focus as moderator. *Personality and Individual Differences*, 97, 282–288. doi.org/10.1016/j.paid.2016.03.044
- Kalischuk, R. G. & Thorpe, K. (2002). Thinking Creatively: From Nursing Education to Practice, *Journal of Continuing Education in Nursing*, 33(4), 155-63, www.eric.ed.gov.
- Kam. c, Zhou. x, Zhang. x, Yee ho, m. (2012). Examining the dimensionality of self-construal's and individualistic–collectivistic values with random intercept item factor analysis. *Personality and Individual Differences*, 53 (2012) 727–733.
- Kernis, M. H. (2003). Toward a conceptualization of optimal self-esteem. *Psychological Inquiry*, 14(1), 1–26
- Kwan, V. S., Bond, M. H., & Singelis, T. M. (1997). Pancultural explanations for life satisfaction: adding relationship harmony to self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73, 1038–1051

- Laasonen, R. J. (1998). *Educational Significance of Related Self-Esteem to Social Environment and Elastic-Plastic Processing of Mindies in 13-16 Years of Age*, www.eric.ed.gov.
- Leung, A. K., Maddux, W. W., Kolinsky, A. D., & Chiu, C. (2008). Multicultural experience enhances creativity: The when and how. *American Psychologist*, 63, 169–181.
- Lofting, R. L. (2000). An Investigation of an Arts Infusion Program on Creative Thinking, Academic Achievement, *Affective Functioning, and Arts Appreciation of Children at Three Grade Levels*, www.eric.ed.gov
- Mac Donald, N. M. & Bigelow, S. (2010). Teaching for Creativity through Fashion Design, *Journal of Family and Consumer Sciences*, 102(2), 48-53.
- Makikangas, A., Kinnunen, U., Feldt, T. (2004). Self-esteem, dispositional optimism, and health: Evidence from cross-lagged data on employee. *Journal of Research in Personality*, 38, 556-575
- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological Review*, 98(2), 224–253.
- Markus, H.R., & Kitayama, S. (2010). Cultures and Selves: A Cycle of Mutual Constitution, *Perspectives on Psychological Science*, 5(4) 420–430.
- Martínez-Jabaloyas, I. Moncada, L. Rodríguez-Vela, P.R. Gutiérrez, J. Chaves, representing the Spanish group of the SMILE study. (2010). *Actas Urológicas Españolas (English Edition)*, Volume 34, Issue 8, 2010, Pages 699-707.
- McAdams, D. P. (2013). The psychological self as actor, agent, and author. *Perspectives on Psychological Science*, 8, 272–295. Doi: 10.1177/1745691612464657.
- Mihali, C. (1996). *Creativity: flow and the psychology of discovering and Discovery and Invention*. New York: Harper Perennial. ISBN 0-06-092820-4.
- Murray, S. L., Alani, M., Holmes, J. G., Derrick, J. L., Stinson, D. A., & Lender, S. (2009). Fostering partner dependence as trust insurance: The implicit contingencies of the exchange script in

- close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 96, 324–348.
- Nakashima, K. I., Yanagisawa, K., & Ura, M. (2013). Dissimilar effects of task-relevant and interpersonal threat on independent-interdependent self-construal in individuals with high self-esteem. *Asian Journal of Social Psychology*, 16(1), 50–59
- Ng, A. K. (2003). Cultural model of creative and conforming behavior. *Creativity Research Journal*, 15(two&3), 223–233.
- Rancho, M. A., & Jaeger, G. J. (2012). The standard definition of creativity. *Creativity Research Journal*, 24, 92–96.
- Rebecca L. Forrester, Hayley Slater, Khowla Jomar, Susan Mitzman and Peter James Taylor. (2017). Self-Esteem and Non Suicidal Self-Injury in Adulthood: A Systematic Review, *Journal of Affective Disorders*, <http://dx.doi.org/10.1016/j.jad.06.027>
- Rosenberg, M. (1965). *Society and the adolescent self-image*. Princeton: Princeton University Press.
- Rudowicz, E. (2003). Creativity and culture: A two-way interaction. *Scandinavian Journal of Educational Research*, 47(3), 273–290.
- Shen, Z. (2007). Psychological research on low self-esteem individuals. *Chinese Journal of Clinical Psychology*, 15(6), 634
- Singelis, T. M. (1994). The measurement of independent and interdependent self-construals. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20, 580–591.
- Sternberg, R. J. (1996). *Successful intelligence*. New York: Simon & Schuster.
- Sternberg, R. J., Sternberg, K. (2016). *The Psychologist's Companion: A Guide to Professional Success Students, Teachers, and Researchers ,6th edition*. New York, NY: Cambridge university press.
- Torrance, E.P. (1979). An instructional model for enhancing incubation. *Journal of Creative Behavior*, 13(1): 23-35
- Wang, Yan & Wang, Ling. (2016). Self-construal and creativity: The moderator effect of self-esteem. *Personality and Individual Differences*. 99 (2016) 184–189. doi.org/10.1016/j.paid.2016.04.086

- Ward, C., & Chang, W. C. (1997). "Cultural fit": A new perspective on personality and sojourner adjustment. *International Journal of Intercultural Relations*, 21(4), 525–533
- Weakens, C. J., & Staple, D. A. (2008). *I versus us: The effects of self-construal level on diversity*.
- Xiao, F., Wang, L., Chen, Y., Zheng, Z., & Chen, W. (2015). Dispositional and situational autonomy as moderators of mood and creativity. *Creativity Research Journal*, 27(1), 76–86
- Yu, X., Zhou, Z., Fan, G., Yangyang Yu & Jiaxi Peng. (2016). Collective and Individual Self-Esteem Mediate the Effect of Self-Construals on Subjective Well-Being of Undergraduate Students in China. *The Official Journal of the International Society for Quality-of-Life Studies: Applied Research in Quality of Life*. Volume 11, Issue 1, pp 209–219.